

Islamic Denominations

Vol. 10, No. 19, September 2023, 195-228

(DOI) 10.22034/JID.2022.283660.2197

## **From Extremism to Religious Democratic Life: A Typology Islamist Sunni Kurdish Movements in Iran following the Islamic Revolution**

Jamil Ghoreyshi<sup>1</sup>

Reza Khorasani<sup>2</sup>

(Received on: 2021-07-15; Accepted on: 2021-10-31)

### **Abstract**

This research aims to provide a typology of Islamist Sunni Kurdish movements that have emerged in Kurdistan, Iran, in the aftermath of the Islamic Revolution. The study utilizes a descriptive-analytical approach, drawing upon extensive library sources and interviews with experts who possess in-depth knowledge of the field and the historical developments in Kurdistan. By employing these research methods, the paper endeavors to shed light on the diverse typology of current movements within Kurdistan, Iran. Major intellectual movements are the Quran School, Salafists, and Iranian Call and Reform Organization. These movements have both social and intellectual origins. The Quran School, established by Ahmad Moftizadeh, aims to advocate for Kurdish rights through political means. The Iranian Call and Reform Organization draws inspiration from the Muslim Brotherhood and engages in political activism with a moderate and law-abiding approach. Salafists hold the belief that the early Islamic community represents the ideal society, leading them to vehemently oppose various aspects of the present society. In their pursuit of these goals, they may sometimes adopt radical methods. The Sufi movement, on the other hand, is focused on individualistic spiritual practices and practical mysticism. They emphasize personal purification and place importance on following a spiritual leader to adhere to Islamic principles and divine commands.

**Keywords:** Kurdistan, Quran School, Iranian Call and Reform Organization, Salafism, Sufism.

---

1. MA, Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (corresponding author).

Email: [jamil.ghoreyshi@gmail.com](mailto:jamil.ghoreyshi@gmail.com)

2. Assistant professor, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: [reza.khorasanie@gmail.com](mailto:reza.khorasanie@gmail.com)

## از افراطی‌گری تا زیست‌دموکراتیک دینی (گونه‌شناسی جریان‌های اسلام‌گرای کردی اهل سنت بعد از انقلاب اسلامی در ایران)

جمیل قریشی<sup>۱</sup>

رضا خراسانی<sup>۲</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹]

### چکیده

مسئله اساسی این پژوهش گونه‌شناسی جریان‌های اسلام‌گرای کردی اهل سنت بعد از انقلاب اسلامی در کردستان ایران است. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و نیز انجام مصاحبه‌هایی با افراد صاحب‌نظر و آشنا به تحولات میدانی و تاریخی مسائل کردستان، سعی شده است به گونه‌شناسی جریان‌های موجود در کردستان ایران پرداخته شود. از مهم‌ترین جریان‌های فکری می‌توان به مکتب قرآن، سلفی‌ها، «جماعت دعوت و اصلاح» و تصوف اشاره کرد که خاستگاه اجتماعی فکری در جامعه دینی این منطقه دارند. مکتب قرآن جریانی است که توسط احمد مفتی‌زاده پایه‌گذاری شد و در صدد احقاق حقوق کردها از طریق سیاسی برآمد؛ «جماعت دعوت و اصلاح» تحت تأثیر اخوان المسلمین بودند و با رویکردی معتدل، مدنی و در چارچوب قانون به دنبال فعالیت سیاسی هستند؛ سلفی‌ها با در نظر گرفتن ویژگی‌های صدر اسلام در جایگاه جامعه‌ای مطلوب، با بیشتر ظواهر جامعه فعلی به طور رادیکال در ستیز هستند و در راه رسیدن به هدف خود، گاهی راهکارهای افراطی را در نظر دارند. جریان تصوف جریانی معطوف به فرد و عرفان عملی است؛ آنها بر تزکیه فرد و پیروی از شیخ معنوی در برپاداشتن اسلام و دستورات خداوند تأکید می‌کنند.

**کلیدواژه‌ها:** کردستان، مکتب قرآن، «جماعت دعوت و اصلاح»، سلفیه، تصوف.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

jamil.ghoreysi@gmail.com

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران reza.khorasani@gmail.com

## بیان مسئله

دین اسلام همواره همچون ایدئولوژی،<sup>۱</sup> گفتمان سیاسی<sup>۲</sup> و عاملی برای هویتی مجزا و مؤثر، نقشی قابل توجه میان مردم کردستان داشته است؛ اما با مطالعه تاریخ می‌توان دریافت رویکرد ناسیونالیسم کردی<sup>۳</sup> به اسلام و هویت دینی مردم کرد نیز به گونه‌ای بود که تلاش می‌کرد هویت اسلامی مردم کردستان را درون گفتمان ناسیونالیستی معنادار کند (ره‌فیق، ۲۰۰۶: ص ۳۰). در متن و بطن چنین رویکردی، اسلام نه در جایگاه دینی تأثیرگذار در جامعه، بلکه یک سنت مطرح بود. هدف غایی گفتمان ناسیونالیستی کردی این بود که چارچوب نظری جریان‌ها، گروه‌ها و دسته‌بندی‌های موجود در کردستان را به وحدت برساند و آنها را به گونه‌ی جمعی واحد و ذیل یک دولت ملت کردی قرار دهد (ابالاس، ۱۳۷۷: ص ۴۱). می‌توان گفت گفتمان اسلام‌گرایی<sup>۴</sup> تا قبل از دهه‌ی چهل شمسی میان مردم کرد به مثابه‌ی عاملی برای فکر و عمل سیاسی شکل نگرفته بود و تا این دوره، تمامی جریان‌های فکری-سیاسی کرد، رویکردی سکولارمنشانه داشتند؛ به عبارتی هویتی یکپارچه و واحد کردی و حس ناسیونالیستی، همه اجتماعات و گروه‌های اجتماعی-سیاسی در کردستان را تحت پوشش قرار می‌داد. در واقع ناسیونالیسم کردی به تمامی فعالیت‌های اجتماعی در کردستان با وجود تنوع درونی‌اش، وحدت می‌بخشید و خود را وجود جمعی متمایزی در برابر غیر گرد به ویژه فارس و ترک تحق می‌بخشید (خسروی، ۱۳۹۰: ص ۲۲). با ظهور اسلام‌گرایی در دهه ۱۳۴۰، کردهای متعهد به اسلام از تأکید بر هویت قومی کردی کمی فاصله گرفتند و اسلام به مثابه فاکتوری حائز اهمیت در سیاست و هویت کردی مطرح شد.

بعد از وقوع انقلاب اسلامی سال ۵۷ و باز شدن فضای سیاسی، فرصتی برای بروز و ظهور گفتمان‌های متفاوت در کردستان ایران پدید آمد؛ به شکلی که همه گروه‌ها و سازمان‌هایی

1. Ideology.

2. Political Discourse.

3. The approach of Kurdish nationalism.

4. Discourse on Islamism.

که در دوران پهلوی دوم امکان فعالیت در حوزه عمومی و مشارکت در عرصه سیاسی و اجتماعی را نداشتند، مشغول فعالیت شدند. به طور کلی گفتمان‌های فکری موجود در سپهر سیاسی اجتماعی کردستان ایران را می‌توان به گفتمان عمده و اصلی تقسیم کرد: گفتمان اسلام‌گرایی<sup>۱</sup>، گفتمان مبتنی بر ناسیونالیسم کردی<sup>۲</sup> و گفتمان‌های متأثر از اندیشه مارکسیسم (چپ)<sup>۳</sup>.

باید توجه داشت که اسلام‌گرایی در کنار گفتمان ناسیونالیستی و سوسیالیستی از گفتمان‌های فعال و تاثیرگذار در کردستان به شمار می‌رود. با تحقیقات انجام شده در باب جریان‌های فعال و موجود اسلام‌گرا در کردستان، می‌توان گفت با توجه به کنشگری آنها در حوزه‌های فکر، اندیشه و سیاست در منطقه، انجام فعالیت‌های سیاسی اجتماعی و آموزشی و همچنین پایگاه اجتماعی و مقبولیتی که میان مردم کرد دارند، می‌توان به چهار جریان غالب در دوره بعد از انقلاب اسلامی اشاره کرد: مکتب قرآن؛ سلفیه؛ جماعت دعوت و اصلاح؛ تصوف کردستان.

صبغهٔ بعضی از این جریان‌ها به قبل و بعضی دیگر به بعد از انقلاب اسلامی در ایران برمی‌گردد. گفتنی است مبنای اندیشه‌ای همگی آنها قرآن و سنت است؛ هرچند می‌توان از جریان‌های اسلام‌گرای دیگری هم تحت عناوینی چون جماعت تبلیغ و دعوت، سازمان انقلابی خبات و روشنفکران دینی و... نام برد؛ ولی بدان دلیل که امروزه در مناطق کردستان دارای افراد و خاستگاه اجتماعی قابل توجهی نیستند و به گونه‌ای در سایر جریان‌های دیگر استحاله شده‌اند، از ذکر آنها در کنار جریان اصلی خودداری می‌شود.

با توجه به خلأ موجود در باب دسته‌بندی جریان‌ها و گونه‌های دینی در منطقه کردستان ایران، این پژوهش می‌کوشد با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، استناد به منابع کتابخانه‌ای و انجام

1. Sub discourse of Islamism.

2. Sub discourse based on Kurdish nationalism.

3. Subdiscourse Affected by Marxist Thought (Left).

از افراطی‌گری تازیست دموکراتیک دینی (گونه‌شناسی جریان‌های اسلام‌گرای اهل سنت بعد از انقلاب اسلامی در ایران) / ۱۹۹

مصاحبه‌هایی با افراد صاحب نظر و نیز آشنا به تحولات میدانی و تاریخی مسائل کردستان و با تمرکز بر تغییر و تحولات گروه‌های دینی اهل سنت کردستان ایران، ضمن گونه‌شناسی این جریان‌ها، تحول و تطور هر یک از آنان مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

### گونه‌شناسی جریان‌های دینی در منطقه کردستان

#### مکتب قرآن

مکتب قرآن یا به قدری مرسوم "مکتبی‌ها" یا "کاک احمدی‌ها" از مؤثرترین جریان‌های اسلام‌گرا در سپهر اجتماعی-سیاسی کردستان و تحولات آن بوده است. از آنجاکه مکتب قرآن فقط از ذهن و ضمیر احمد مفتی‌زاده برخاسته است، باید به تحولات درونی مفتی‌زاده نظر انداخت. مفتی‌زاده از بحران نهضت ملی‌گرایانه کرد به نهضت اسلامی روی آورد. زندان و خلوت انفرادی و رؤیاهایی که مفتی‌زاده در زندان دید، همراه تحولات اجتماعی و سیاسی و شروع نهضت روحانیت شیعه و شروع مبارزات نهضت آزادی، زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری مکتب قرآن بودند که شاکله آن از سال ۱۳۴۳ در ذهن او در زندان قزل‌قلعه ترسیم شد و در سال ۱۳۵۶ با تأسیس مدرسه قرآن عملی گردید. مکتب قرآن هرگز اساس نامه و مرام‌نامه نداشته است؛ اما از نوشته‌های منثور و منظوم برجای مانده از آقای مفتی‌زاده شاید بتوان به عنوان اساس نامه و مرام‌نامه مکتب قرآن یاد کرد. امروزه همه مکتبی‌ها مدعی برپاداشتن و عملی کردن نظرات کاک احمد مفتی‌زاده هستند (مصاحبه: ناصر علیار؛ بوکان، ۱۳۹۸).

#### مراحل شکل‌گیری مکتب

۱. مفتی‌زاده در جمع نزدیکان شروع به بیان دیدگاه‌های فکری و عقیدتی‌اش می‌نماید.
۲. از سال ۱۳۵۰ به بعد به همراه برخی از دوستان و شاگردانش کلاس‌های پراکنده‌ای

شکل می‌دهد و درباره‌ی اندیشه‌ی دینی و سیاسی و اجتماعی‌اش شروع به ضبط کاست‌هایی می‌کند.

۳. تشکیل مدرسه قرآن در بهار ۱۳۵۶ با برنامه‌های آموزشی مفصل.

۴. انقلاب ایران حرکت اسلامی کردستان به رهبری مفتی زاده رارقم زد و حرکتی اجتماعی و سیاسی ایجاد کرد که همراه و همگام با انقلاب بود.

۵. محقق نشدن انتظارات مفتی زاده از انقلاب ایران، همراهی هشت ماهه او با سران انقلاب ایران را پایان داد.

۶. تغییر نام مدرسه قرآن به مکتب قرآن در سال ۱۳۵۹ و شروع حرکت مکتب قرآن به رهبری مفتی زاده.

برای ترسیم زیست جهان مکتب قرآن باید از مفهوم و نهاد شورا شروع کرد. شورا در مکتب قرآن اصل اساسی به شمار می‌آید. پیروان این مکتب اعتقاد دارند بعد از مرگ خلیفه چهارم و به دلیل کنارگذاشتن اصل شورا، جامعه اسلامی دچار انحطاط گردید و تمامی مسائل و مشکلات جامعه اسلامی از اینجا سرچشمه می‌گیرد (مفتی زاده، [بی تا]) "کاست حکومت اسلامی"، زبان کردی). حتی آقای مفتی زاده بعد از مرگم هیچ کس جز شورا جانشین من نیست و همگی باید به رای شورا احترام بگذارند و آن را قبول کنند (مصاحبه با ادمین کانال کانون اندیشه دینی، [بی جا]: ۱۳۹۸). بنابراین می‌توان گفت در سایه حکومت شورایی اهداف و چشم‌انداز مکتب، ساختن انسان‌های تزکیه شده و خانواده‌ها و جامعه سالم در حد مقدور و به طور نسبی بر اساس اسلام است (مصاحبه علیار، بوکان: ۱۳۹۸).

آقای مفتی زاده از اندیشه حکومت اسلامی دربرگیرنده امت واحده اسلام به شدت دفاع می‌کرد؛ حکومتی که شورای قرآنی و احکام شریعت اساس آن باشد و سنی و شیعه و کرد و فارس در آن از حقوق مساوی برخوردار باشند. نگاه او به امپریالیسم، صهیونیسم و کمونیسم شبیه نگاه امام خمینی (ره) بود؛ حتی به عربستان سعودی نگاه مثبتی نداشت. با دخالت

اجنبی‌ها در ممالک اسلامی مخالف بود و فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه مارکسیستی در کردستان را به نفع مردم ارزیابی نمی‌کرد. از برادرکشی روی‌گردان بود و برای رفع مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کردستان رویکردی متفاوت با گروه‌های غیرمذهبی‌گردد داشت (کدیور، ۱۳۹۷: ص ۱۰). همین نکات مشترک بین ایشان و امام خمینی (ره) بود که آنها را قبل و بعد انقلاب همسو و هم‌راستا قرار داد.

به عبارتی گفتمان مکتب قرآن<sup>۱</sup> با نزدیکی به انقلاب ۵۷، برخلاف آنچه آقای مفتی‌زاده بر پرورش انسان و تزکیه نفس تأکید می‌کرد، بیش و پیش از هر خصلت دیگری ویژگی سیاسی - اجتماعی می‌یابد. در واقع بعد پرورشی اسلام کاملاً به نفع بعد سیاسی - اجتماعی کنار می‌رود؛ اسلام را عقیده‌ای بنیانی، دگرگون‌ساز و وحدت‌بخش مطرح می‌کند؛ همچنین قوت‌یابی چپ و فلسفه‌های مارکسیستی در کردستان، ضرورت طرح اسلام به مثابه مکتب عقیده و جهاد را در کانون اسلام‌گرایی مکتب قرآن قرار می‌داد.

بر این اساس می‌توان گفت مکتب قرآن از بدو شکل‌گیری‌اش دچار تحول و تطوراتی در نظام معنایی خود شده است؛ از جمله همسویی با گفتمان دینی تشیع که در دهه چهل شروع و در ادامه به ترویج آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب در دهه ۵۰ پرداخت و بعدها به تنش و نزاع با احزاب‌گردد و روحانیت سنتی و حاکمیت سیاسی سوق داده شد. در دورانی یاران شفیق امام و انقلاب دانسته می‌شوند و در برهه‌ای «خائن به کرد»<sup>۲</sup> و در مقطعی «مطرود انقلاب»<sup>۳</sup> خطاب قرار می‌گیرند (خسروی، ۱۳۹۰: ص ۱۴).

به عبارتی از همراهی انقلاب به منتقد جمهوری اسلامی بدل می‌شوند و از فعالیت سیاسی از سال ۵۷ و ۵۸ کم‌کم به کناره‌گیری از درگیری‌های سیاسی کشانده شدند. بر این اساس پیروان مکتب قرآن پس از فوت مفتی‌زاده و به توصیه ایشان، تا اطلاع ثانوی از فعالیت

1. Discourse of the Koran School.

2. Traitor to the Kurds.

3. Rejected Revolution.

مستقیم سیاسی کناره‌گیری کرده‌اند و فقط بر گسترش حوزه نفوذ اجتماعی خود، گسترش فعالیت‌های اقتصادی، تبلیغی و خیریه متمرکز شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد بر مبنای حجم فعالیت‌ها و جذب هواداران، به یک جریان فعال اجتماعی تبدیل شدند (مصاحبه با دکتر عبدالعزیز مولودی، بوکان، زمستان ۹۸).

در زمان حیات مفتی‌زاده خود رهبر مکتب بود و شورای مکتب قرآن و اعضای آن بازوی اجرایی و مشاوران او بودند. بعد از فوت او به مدت چند سال شورای مکتب قرآن هدایت مکتب را بر عهده گرفت. فوت مفتی‌زاده سبب به وجود آمدن اختلاف میان شاگردان ایشان شد که دلیل آن نگاه متفاوت شاگردان او از تفکر ایشان بود؛ به همین دلیل مکتب قرآن دچار انشعابات شد؛ از سال ۷۵ با تشدید اختلافات داخلی میان شاگردان مفتی‌زاده، منجر به تقسیم مکتب قرآن در سال ۸۰ به شکل رسمی شد (مصاحبه با ناصر علیار، بوکان، پاییز ۹۸). پس از مفتی‌زاده افرادی چون فاروق فرساد، حسن امینی و سعدی قریشی افکار او را ادامه دادند؛ بر این اساس مکتبی‌ها به دو گروه اکثریت و اقلیت تبدیل شدند؛ اما آنها به طور کلی تمامی تصمیمات خود را بر مبنای برداشت مفتی‌زاده از کتاب و سنت اتخاذ می‌کنند (مصاحبه با دکتر عبدالعزیز مولودی، بوکان، زمستان ۹۸).

بعد از مفتی‌زاده چهره‌های شاخص مکتب قرآن افرادی چون هادی مرادی، فؤاد روحانی، حسن امینی و فاروق فرساد بوده‌اند و اکنون سعدی قریشی و حسن امینی به ترتیب از چهره‌های شاخص اکثریت و اقلیت مکتب قرآن هستند (مصاحبه با ناصر علیار، بوکان، ۱۳۹۸). یکی از جناح‌های آن به رهبری آقای سعدی قریشی با عنوان «شورای مدیریت مکتب قرآن» اعلام کرده است در اوایل مرحله دعوت قرار دارند و در نتیجه به جز تزکیه<sup>۱</sup> خود و صبر و تحمل فشار، هیچ مسئولیت دیگری ندارند و به این دلیل از هرگونه کنشگری سیاسی و فعالیت اجتماعی پرهیز می‌کنند؛ بنابراین هیچ عضوی از مکتب

---

1. refinement.



از افراطی‌گری تازیست دموکراتیک دینی (گونه‌شناسی جریان‌های اسلام‌گرای کردی اهل سنت بعد از انقلاب اسلامی در ایران) / ۲۰۳

شورای مدیریت مکتب قرآن (گروه کاک سعدی)، حق مشارکت سیاسی اجتماعی و حتی عضویت در انجمن‌های فرهنگی را ندارد چرا که به گفته آقای مفتی زاده به آنها سفارش کرده که وظیفه‌ی بالفعل شما تزکیه‌ی خود و دعوت و هدایت دیگران است بدون فعالیت‌های سیاسی» بنابراین برنامه و فعالیت مکتب قرآن در پرورش افرادی مؤمن و نیکوکار و تبلیغ و هدایت مردم خلاصه می‌شود و برای انجام این وظایف مطلقاً در هیچ حدی هیچگونه تعامل و همکاری با حکومت نباید داشته باشند (مصاحبه با ادمین کانال کانون اندیشه دینی، [بی جا]: ۱۳۹۸).

جناح مقابل با عنوان «مکتب قرآن کردستان» به رهبری حسن امینی در دوره اصلاحات و در سال ۱۳۷۶ شکل گرفت. آنها دارای رویکردی تعامل‌گرا و قایل به کنش‌ورزی سیاسی هستند. این مهم نشان از آن است که این جریان احیاکننده مفاهیم «فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی در عرصه عمومی» مکنون در گفتمان مکتب در اوایل انقلاب است. منع نظارت رازداری، تأکید بر شوری، رابطه با همه گروه‌های اسلامی، استفاده از نظرات علمای بزرگ اسلام، ضرورت فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در جامعه از ویژگی‌های این جریان است.

اخیراً جریان سومی از مکتب قرآن در کردستان پدید آمده است که هر چند عنوانی برای خود انتخاب نکرده‌اند؛ اما با نام «یاران قدیمی کاک احمد» شناخته می‌شوند. این گروه بر خلاف دو جناح اصلی مکتب دارای تشکیلات منسجم و منظمی نیستند و فقط جمعی اندک و دوستانه هستند که از راه فضای مجازی بیشتر فعالیت‌های خود را معطوف به امور فرهنگی کرده‌اند (مصاحبه با ناصر علیار: بوکان، پاییز ۹۸).

حسن امینی درباره انشقاق موجود در مکتب قرآن معتقد است در عقیده و باورشان هیچ تغییری صورت نگرفته است و تفاوت بین خود را فقط در روش می‌دانند؛ زیرا باور دارد اندیشه مکتب بر اساس عقیده اهل سنت و جماعت بر اصولی ثابت و مشترک پایه‌گذاری شده

است. ایشان تصریح می‌کند ضمن اعتقاد همهٔ مکتبی‌ها به نظام شورایی برای اداره جامعه، به هیچ‌وجه اعتقادی به ولایت فقیه ندارد (مصاحبه با حسن امینی، سنندج، پاییز ۹۸). مکتب قرآن امروزه به صورت شورایی اداره می‌گردد؛ یعنی در هر شهری از طریق انتخابات و رأی‌گیری، شورایی از سوی اعضای مکتب برگزیده می‌شود و امورات اجرایی و فعالیت مکتب در سطح شهر به آنها سپرده می‌گردد. پیروان مکتب قرآن زمانی کلاسهای آموزشی را در مساجد انجام می‌دادند اما به دلیل تن ندادن به گرفتن مجوز از حکومت برای فعالیت هایشان، اکنون مدت ۳۰ سال است که کلاسهای آموزشی را در منازل خود برگزار می‌نمایند. مکتب قرآن برای افرادی که تمایل دارند به عضویت مکتب دربیایند جلساتی مقدماتی برای هر فرد متقاضی تشکیل می‌دهند و کلیاتی درباره‌ی «بینش = دیدگاه دینی» و «منش = اخلاق و شخصیت دینی» و «روش = برنامه‌ی حرکت دینی» آقای مفتی زاده برای آنان بیان می‌کنند تا اگر مایل بودند به جمع پیروان مکتب قرآن ملحق شوند (مصاحبه با ادمین کانال کانون اندیشه دینی، [بی‌جا]: ۱۳۹۸).

گفتنی است جلسات و مناسک مکتبی‌ها علنی و بدون مجوز، ولی آشکار و ظاهراً بدون تشکیلات است و در چارچوب‌های اهل سنت فعالیت می‌کنند. نسخه سنی جریان مکتب قرآن در کردستان طی این سال‌ها هیچ‌گاه مزاحم جدی برای حکومت اسلامی نبوده است (مصاحبه با دکتر عبدالعزیز مولودی، بوکان، زمستان ۹۸).

### جماعت دعوت و اصلاح

«جماعت دعوت و اصلاح» موسوم به «اخوانی‌ها» یکی از جریان‌های مذهبی فعال در کردستان ایران است. هسته‌های اولیه جماعت در جایگاه یک جنبش فکری به سال‌های قبل از انقلاب و اوایل دهه پنجاه شمسی برمی‌گردد؛ اما به شکل تشکیلاتی این جریان در سال ۱۳۵۷ توسط عده‌ای از علمای اهل سنت کردستان در یک قالب سنتی شکل گرفت.

از برخی افراد جریان می‌توان به ناصر سبحانی، ابراهیم مردوخی و بسیاری دیگر اشاره کرد و نمی‌توان از یک شخص یا گروهی مشخص به عنوان مؤسس نام برد. جماعت در سال ۱۳۸۰ به شکل اداری و جدی‌تر شروع به فعالیت و تشکیل کنگره می‌کند (مصاحبه با روابط عمومی «جماعت دعوت و اصلاح»، جمال اسماعیلی، تهران، زمستان ۹۸). آنها افزون بر انجام فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی، به دنبال عمل و تلاش برای تأثیرگذاری در سپهر سیاسی نیز هستند. می‌توان گفت سیاسی‌ترین جریان اسلام‌گرا که اکنون در کردستان وجود دارد، «جماعت دعوت و اصلاح» است.

در ابتدا به دلیل اقامت و رفت‌وآمد تعدادی از اعضای گُرد اخوان عراق در مناطق کردنشین ایران، این تصور شکل گرفت که «جماعت دعوت و اصلاح» شعبه‌ای از اخوان است؛ اما بنا بر گفته پیروان آن فقط می‌توان به این اشاره کرد که جماعت نیز تا حد زیادی از جهت سرچشمه‌های فکری و الگوهای الهام‌بخش از اخوان المسلمین متأثر بوده است و هیچ‌گاه ارتباط تشکیلاتی و سازمانی بین جماعت و اخوان المسلمین وجود نداشته است و جماعت در تصمیمات و اقدامات خود مستقل عمل کرده است. با این وجود حضور توانمند تفکر اخوان در اوضاع انقلابی آن دوران، تا اندازه‌ای تأثر و دل‌بستگی عاطفی را برای اعضای جماعت پدید آورده بود، تا جایی که خود را اخوانی می‌دانستند (مصاحبه با دکتر عبدالعزیز مولودی، بوکان، زمستان ۹۸).

از طرفی دیگر مدیریت جماعت هیچ‌گاه به گونه رسمی خود را شعبه‌ای از اخوان قلمداد نکرده‌اند و هرگز بیانیه یا پیامی با نام اخوان المسلمین منتشر نکرده است. آنچه واقعیت دارد نوعی تعلق عاطفی و فکری بود که رفته‌رفته با بالیدن افراد و رشد افکار از شدت آن کاسته شد و جماعت توانست به استقلال فکری و راهبردی خود که مقتضی حرکت یک تشکّل مستقل در چارچوب قانون اساسی و مصالح کشور و جامعه است، دست یابد (مصاحبه با روابط عمومی «جماعت دعوت و اصلاح»، جمال اسماعیلی، تهران، زمستان ۹۸).

گفتنی است دبیر کل وقت «جماعت دعوت و اصلاح» در گفتگویی که در ۱۳ تیر ۱۳۸۹ با روزنامه «الشرق الاوسط» انجام می‌دهد، هرگونه ارتباط تشکیلاتی با جریان‌های برون مرزی از جمله اخوان را رد می‌کند و تأکید داشته است جماعت همواره در تصمیم‌گیری‌ها و مواضعش مستقل عمل کرده است.<sup>۱</sup>

با این اوصاف «جماعت دعوت و اصلاح» در جایگاه یک تشکل ایرانی‌گُرد، صرفاً در داخل کشور فعالیت می‌کند و هیچ‌گونه رابطه و وابستگی به دولت‌ها، جریان‌ها و نهادهای داخلی و خارجی ندارد و غیر از حضور در اتحادیه جهانی علمای مسلمان که بیش از شصت تن از علمای سرشناس ایرانی در آن حضور دارند و نیز اتحادیه NGO های دنیای اسلام که دو تشکل صنفی‌اند، ارتباطی در خارج از مرزهای کشور ندارد. درباره اهداف «جماعت دعوت و اصلاح» باید گفت: جماعت در کنگره چهارم که مردادماه سال ۱۳۹۴ تشکیل شد، شعار خود را «کرامت انسانی، معنویت اسلامی و هویت ایرانی» تعیین کرد که بیان‌کننده عطف توجه راهبردی جماعت به این سه موضوع مهم در زمان اوج تفکرات افراطی به نام دین است که کرامت ذاتی انسان را نشانه رفته بود.

آنها راه و روش امروزی تری از خود نشان داده‌اند و بر عکس سایر جریان‌ها دیگر با تعصب<sup>۲</sup> کمتری با مسائل رایج جامعه تعامل می‌کنند. همچنین بر خلاف جریان مکتب قرآن که انزوای سیاسی را در پیش گرفتند، این تشکل در مسائل اجتماعی و سیاسی و فرهنگی حضور چشمگیری دارند و در انتخابات موضع‌گیری می‌کنند. سیاست نزد آنها کمتر شکل هویت‌گُردی به خود گرفته است و در برابر مسائل ناسیونالیست‌گُردی کمتر اظهار نظر می‌کنند. در واقع بیشتر سکوت را ترجیح داده‌اند؛ هرچند در اساس نامه آنها ذکر شده است که آنها از آزادی‌های مذهبی و قومی حمایت می‌کنند؛ اما تاکنون درباره تحولات کردستان

1. <http://www.islahweb.org/node/3281>.

2. bias.

عراق و ترکیه و بعضی از «اهل سنت» و مسائل دیگر کردستان موضع‌گیری نکرده‌اند و به طور کلی دفاع از حقوق شهروندی بر مسئله ملی برای شان راجح‌تر است.

از بارزترین ویژگی‌های این گروه می‌توان میانه‌روی و اعتدال، تأکید بر آموزش اعضاء و هواداران و برنامه محوری را برشمرد و ارتباط با گروه‌ها و احزاب اسلامی کشورهای دیگر هم یکی از اهتمامات آنهاست. اگرچه این گروه دغدغه اصلی خویش را دفاع از حقوق اهل سنت ایران و در کنار آن کردستان می‌داند و با برگزاری دو کنگره نشان داده است در تصمیم‌گیری‌های اساسی و اصلی با در نظر گرفتن تمام شرایط اتخاذ تصمیم می‌کند؛ اما اشتراکات آنها با احزاب اصلاح طلب<sup>۱</sup> به مراتب بیش از هم‌فکری با اصولگرایان<sup>۲</sup> است. گفتنی است «جماعت دعوت و اصلاح» در بسیاری از شهرهای کردنشین ایران مثل پاوه، سردشت، مهاباد، بوکان و سقز دارای پایگاه اجتماعی فراوانی هستند؛ اما از آنجاکه این جریان نتوانسته است در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران به کنشگری سیاسی و فعالیت اجتماعی به شکل رسمی بپردازد، از طرف بسیاری از فعالان ملی و مذهبی‌گردد به آنها انتقاداتی وارد شده است (مصاحبه با ناصر علیار، پاییز ۹۸، بوکان).

«جماعت دعوت و اصلاح» فرهنگ سیاسی دمکراتیک‌تری در برابر دیگر جریان‌های اسلام‌گرا دارد و از عناصر فرهنگ سیاسی دمکراتیک همچون تشکیل پلونیوم،<sup>۳</sup> انتخابات در تعیین رهبران، شرکت در فعالیت‌های سیاسی رسمی ایران، حضور زنان در کادر رهبری و .... برخوردار است. در مرام‌نامه «جماعت» این‌گونه آمده است: «جماعت دعوت و اصلاح تشکلی است مدنی در چارچوب اندیشه اسلامی که با هدف حفظ هویت و مذهب مردم و شکوفایی فردی و اجتماعی افراد در کنار آزادی سیاسی و حقوق بشری فعالیت می‌کند» (مرام‌نامه «جماعت دعوت و اصلاح»، سایت «جماعت دعوت و اصلاح»).

1. Reformist parties.

2. Fundamentalists.

3. Polonium.

«جماعت» برای ساختن آینده‌ای بهتر از دانش و فناوری‌های روز بهره می‌گیرد و به اعتدال و میانه‌روی در تفکر و عمل و برقراری روابط و تعامل دموکراتیک با سایر احزاب و تشکلهای پایبند است؛ همچنین ارتقای سلامت جامعه و حفظ محیط زیست و اهتمام جدی به حقوق اعضا در جایگاه سرمایه‌های انسانی و ارتقای توانمندی‌های آنان را از طریق آموزش‌های مستمر وظیفه خود می‌داند (مصاحبه با روابط عمومی «جماعت دعوت و اصلاح»، جمال اسماعیلی، تهران، زمستان ۹۸).

رویکردهای هشت‌گانه مورد تأکید «جماعت دعوت و اصلاح» حول محورهای معنویت، شورا، حقوق بشر، آزادی، عدالت، نوگرایی، همبستگی و خشونت‌پرهیزی می‌چرخد (مرام‌نامه «جماعت دعوت و اصلاح»، سایت «جماعت دعوت و اصلاح»).

### سلفی‌های کردستان

با پیدایش منهج یا رویکرد «خلف»، «سلفیت» لقبی شد که در قبال خَلَف به کار گرفته شد (حلمی، ۲۰۰۵: ص ۲۳-۳۳). سلفیت در مضمون، یعنی همان رویکرد اسلامی در اوج تمدنِ پرآوازه خویشتن و راهنمایی به الگو و نمونه‌ای عملی که در عصر اولیه اسلام اجرا شده بود؛ منظور از آن زمان حیات پیامبر اسلام (ص) و خلفای راشدین است. سلفی‌ها گروهی از مسلمانان تندروی اهل سنت و معتقد به بازگشت به دوران طلایی حکومت‌گری اسلامی هستند. منظور این گروه از دوران طلایی، سیصدسال اول بعد از ظهور اسلام است. سلفی‌ها معتقدند بعد از دوران پیامبر اسلام، صحابه، خلفای راشدین، تابعین و تابعینِ تابعین اسلام به بی‌راهه رفته است و تلاش‌های برخی مسلمین در طول قرن‌های بعد از آن هم نتوانسته است اسلام را به مسیر اصلی خود بازگرداند.

برای آشنایی بهتر با ماهیت سلفی‌های منطقه کردستان لازم است به اختصار به انواع نحله‌های سلفیه اشاره کرد که ناصر علیار در کتابچه سلفیه در روزگار مادر یک تقسیم‌بندی کلی سلفیه را به چهار گرایش عمده تقسیم کرده است (علی‌ار، ۱۳۸۵:

از افراطی‌گری تازیست دموکراتیک دینی (گونه‌شناسی جریان‌های اسلام‌گرای کردی اهل سنت بعد از انقلاب اسلامی در ایران) / ۲۰۹

ص ۵۵-۶۴) که عبارت‌اند از: سلفیه اصلی؛ سلفیه معتدل؛ سلفیه طرفدار آلبانی؛ سلفیه سیاسی جهادی.

### سلفیه اصلی

دفاع از چارچوب و شاکله اصلی افکار محمد ابن عبدالوهاب را در ذمه خویش گرفته‌اند و مسائلی چون انحصار دعا و استعانت و عبادت برای خدا و نفی بدعت‌ها و ترویج نظرات علمای قرن‌های اول و دوم و سوم و تابعین‌شان را به صورت تکراری و کلیشه‌ای در کتاب‌ها و منابر و ایستگاه‌های رسانه‌ای بازگو می‌کنند. به طور کلی این نحله از سلفیه بیشترین مبلغین سلفیه را در سطح جهانی پوشش می‌دهند و در اعتقادات هم به همان اصول محمد ابن عبدالوهاب و ابن تیمیه بسنده می‌کنند و در مسائل سیاسی و اجتماعی صاحب مکتب خاصی نیستند.

### سلفیه معتدل

گروهی که از بدو پیدایش نهضت سلفیه به افکار و نحله‌های دیگر اسلامی هم نظر داشته‌اند؛ میان علمای قدیم سلفیه می‌توان به شیخ محمد غریب متوفی به سال ۱۲۰۹ و عثمان بن منصور متوفی به سال ۱۲۸۲ اشاره کرد. آن‌ها به اصول قطعی و هسته اصلی سلفیت باور دارند؛ ولی به برداشت‌های دیگر هم احترام می‌گذارند و از آثار دیگران هم استفاده می‌نمایند. آنها در رابطه با دیگران مانند همه وحدت خواهان بر نقاط اشتراک بیشتر تأکید می‌کنند و به اصلی‌ترین اصول سلفیت بسنده می‌نمایند.

### سلفیه طرفدار آلبانی

ناصرالدین آلبانی (م ۱۶۲۱ م) از عالمان سلفی و محدثی سرشناس است. بسیاری از سلفیه از طرفداران ایشان هستند؛ وی در مسئله تکفیر احتیاط بیشتری دارد و در

تعریف ایمان به عقاید ابوحنیفه و ابوجعفر طحاوی در این باره نزدیک شده است؛ بنابراین مخالفینش وی را مرجئه گویند. در رابطه با سیاست و جهاد و دعوت و مسائل جدید پیش روی داعیان نظرات مدون‌تری از دیگر سلفی‌های سنتی دارد. تبلیغ عقیده صحیح به سبک سلفیه در اولویت برنامه‌های او قرار دارد و خروج علیه حکومت‌ها، قیام مسلحانه، تأسیس احزاب و جماعت‌های اسلامی را به شدت رد می‌کند. در موضوع تعریف ایمان، حدود حجاب زن و برخی نظرات فقهی و حدیثی شذوذاتی در برابر افکار پذیرفته‌شده سلفیه دارند. بیعت با رهبران اسلامی معاصر را قبول ندارد و آن را حق خلیفه شرعی می‌داند.

آلبانی افزون بر مخالفت با سلفیه سیاسی جهادی، با تفکرات انقلابی و رادیکال دینی نظیر سید قطب و محمد قطب نیز مخالف است و از سوی این گرایش‌ها به داشتن افکار ارجائی و سازش‌کارانه متهم است. اگرچه وی مخالف تندروی سیاسی است، از لحاظ فکری تندرو می‌باشد و در نوشتار بسیار خرده‌گیر است، بلکه نیش‌دار می‌نویسد و با شدت بر صوفیه و علمای مقلد مذاهب اربعه و اشعری‌ها می‌تازد؛ به هر حال می‌توان او را یکی از رهبران فکری مسلمانان معاصر حساب کرد که دارای شاگردان برجسته‌ای است.

به طور کلی این جریان انشعابی از نحله سلفیه در مسائل اعتقادی صلابت بیشتری دارند و دارای تفکری سازمان‌یافته‌تر هستند؛ ولی در مسائل سیاسی-اجتماعی و رابطه با گروه‌های اجتماعی از نرمش بیشتری برخوردارند. گفتنی است بیشتر سلفی‌های کردستان ایران به سمت سلفیه طرفدار آلبانی یا سلفیه اصلی تمایل پیدا کرده‌اند؛ هرچند کسانی از افکار سلفیه جهادی<sup>۱</sup> متأثر هستند.

---

1. Jihad Salafis.



### سلفی سیاسی - جهادی

دسته‌ای از سلفیه که سابقه‌شان به دهه هشتاد میلاد مصر برمی‌گردد، سلفیه سیاسی جهادی هستند که به سلفیه حزبی نیز مشهورند. آنان به اصول افکار سلفی‌ها اعتقاد دارند؛ ولی به برجسته‌کردن مسئله جهاد و اقامه شرع بیشتر پرداخته‌اند و به درکشیدن یک تئوری انقلابی و رادیکال از بطن منابع فکر سلفی اقدام کرده‌اند. گفتنی است فکر سلفی سیاسی - جهادی به‌ویژه از طرف هیچ‌کس در عالم برجسته و مشهوری ارائه نشده است، بلکه التقاطی است از آراء و افکار ابن تیمیه و محمد ابن عبدالوهاب.

### انواع سلفیت موجود در کردستان ایران

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده درباره سلفیت در کردستان امروزه، می‌توان شاهد دو گروه اصلی از سلفی‌ها در کردستان باشیم: سلفی‌های تبلیغی غیر جهادی (سلفیه آلبانی)؛ سلفی‌های تبلیغی - جهادی.

سلفیه تبلیغی - جهادی معتقد به بازگشت به دوران طلایی اسلام به روش‌های رادیکال و از راه جهاد است؛ اما سلفی‌های تبلیغی غیر جهادی معتقدند باید از راه تبلیغ و روش‌های مسالمت‌آمیز برای بازگرداندن اسلام به دوران طلایی خود تلاش کرد. غیر جهادی‌ها معتقدند اسلام از طریق تبلیغ کشورهای زیادی را جذب حکومت اسلامی کرد و نفوذ خود را گسترش داده است (علی‌ار، ۱۳۸۵: ص ۶۶).

سلفی‌های تبلیغی غیر جهادی کردستان همچنان که پیش‌تر درباره تفکرات ناصر آلبانی توضیحاتی داده شد، باید اشاره شود فقط به لحاظ ایدئولوژی پیرو ناصر آلبانی هستند و فاقد هرگونه انسجام تشکیلاتی و سازمانی می‌باشند. گفتنی است با توجه به تحقیقات صورت‌گرفته نویسندگان، بیشترین سلفی‌های موجود در کردستان پیرو چنین خط فکری

هستند؛ همچنین سلفیت تبلیغی- جهادی با توجه به فعالیت‌های سال‌های اخیر در کردستان اصالت و سابقه‌ای ندارد. بر این اساس سلفی جهادی و سربرآوردن سازمان یافته آن در شهرهای کردستان ریشه یا پیشینه‌ای قدیمی ندارد. موجودیت این جریان از یک سو نتیجه عدم موفقیت جریان مکتب قرآن و از سوی دیگر محصول تنش بر بستر تحولات سال‌های اخیر در جنگ نیابتی بین جمهوری اسلامی شیعه و عربستان سنی است (مصاحبه با ناصر علیار، بوکان، پاییز ۹۸).

### سلفی‌های تبلیغی، جهادی کردستان ایران

با توجه به رابطه عمیق سلفی‌های کردستان ایران با سلفی‌های کردستان عراق، پیش از بررسی جریان‌های سلفی کردستان ایران باید گذری بر جریان‌های سلفی موجود در کردستان عراق و تاریخ و سیر فکری آنها انداخت؛ اما از آنجاکه بررسی آنها خارج از توان این مقاله است و فقط می‌توان اشاره‌ای اجمالی به آنها داشت، از خوانندگان درخواست می‌شود برای آشنایی بیشتر با موضوع به سایر پژوهش‌های موجود درباره جریان‌های اسلام‌گرای موجود در کردستان عراق پرداخته شود.

ظهور افکار سلفی جهادی در کردستان ایران به حدود بیست سال پیش برمی‌گردد، یعنی اواسط دهه ۷۰ شمسی. در این زمان برای اولین بار تفکر سلفی جهادی در مناطق سنی‌نشین کردستان ایران طرفدارانی پیدا کرد. مختار هوشمند در کتاب سلفی‌های جهادی در کردستان معتقد است سه تحول مهم در منطقه به در آن سال‌ها تأثیر تعیین‌کننده‌ای در تشکیل و ترویج این تفکر در کردستان ایران داشت<sup>۱</sup> که در ادامه به اختصار بیان می‌شود.

---

1. <https://iranwire.com/fa/features>.

### مقطع اول: خیزش القاعده و آغاز حکومت امارت اسلامی افغانستان

اعلام «امارت اسلامی» در افغانستان توسط طالبان و تشکیل سازمان سلفی جهادی «القاعده» تأثیر فراوانی بر جریان‌های اسلام‌گرای منطقه و کردستان گذاشت. اسامه بن لادن بعد از تشکیل امارت اسلامی از جوانان خواست برای دفاع از حکومت طالبان و نیز عضویت در القاعده به این کشور روی آورند که در پاسخ بسیاری از جوانان به افغانستان رفتند (هوشمند، ۲۰۲۰: ص ۲۳). جوانان فدایی که از کشورهای مختلف اسلامی طی «هجرت» به افغانستان روی آوردند، بیشتر از مرزها و مناطق سنی‌نشین کردستان ایران وارد و از طریق سیستان و بلوچستان از ایران خارج می‌شدند، خود را به پاکستان می‌رساندند و از آنجا خود را به مراکز آموزشی القاعده معرفی می‌کردند. افرادی از تشکل‌هایی مانند «حماس»، «توحید اسلامی»، «جناح اسلامی» در جنبش اسلامی کردستان عراق که به اعتقادات سلفی جهادی گرایش پیدا کرده بودند و به دعوت بن لادن لیبیک گفته بودند، از کردستان عراق و ترکیه و از مسیر کردستان ایران و دیگر مناطق سنی‌نشین ایران راهی افغانستان شدند.

شکل‌گیری گروه‌های سلفی جهادی در کردستان عراق منجر به آشنایی و پیوستن جوانان کردستان ایران با این گروه‌های سلفی جهادی شد که در جریان این آشنایی و ارتباط گروه‌های سلفی جهادی با امارت اسلامی در افغانستان، همچنین حضور فیزیکی این گروه‌ها در مناطق مرزی بین کردستان ایران و عراق و تأمین مواد خوراکی این گروه‌ها از طریق کردستان ایران سبب آشنایی هرچه بیشتر گروه‌های سلفی جهادی با مردم کردستان ایران گشت (همان، ص ۲۴).

### مقطع دوم: تشکیل جند الاسلام و شکل‌گیری امارت اسلامی بیاره

هم‌زمان با حملات ۱۱ سپتامبر، این امارت اسلامی توسط گروه جند الاسلام در منطقه بیاره کردستان عراق در پنج کیلومتری مرز ایران تشکیل شد که بسیاری از کردهای ایرانی در

سازمان‌های نظامی آن مشغول به فعالیت و آموزش بودند. در این مقطع طرفداران سلفی جهادی در کردستان ایران با توجه به اینکه از لحاظ تشکیلاتی تابع گروه‌های سلفی جهادی در کردستان عراق بودند، تأثیر زیادی از جریان‌های جهانی و حتی سقوط اسلامی طالبان در افغانستان گرفتند. آنها در پی سقوط طالبان بسیار ناامید شده بودند؛ اما پس از اعلام امارت اسلامی بیاره بسیار امیدوار شدند و امیدواری تأثیر بسزایی بر فعالیت‌های تبلیغی آنها داشت. افراد سلفی جهادی در کردستان ایران در مدت کوتاهی با این امارت تماس گرفتند و تلاش نمودند با آنها همکاری‌های لازم را داشته باشند. حضور سلفی‌های جهادی‌های کردستان ایران در امارت بیاره جدیدترین تجربه سلفی جهادی‌های کردستان ایران بود و از لحاظ نظامی نیز اهمیت خاصی را دارا بود. کردهای ایرانی در «کتیبه الاقصی» سازمان‌دهی شده بودند که این حضور اثر فراوانی بر گسترش افکار سلفی جهادی در کردستان ایران را داشت.

#### مقطع سوم: سقوط امارت بیاره و «هجرت»

پس از سقوط امارت بیاره به دست نیروهای آمریکایی و پیش‌مرگ‌های اتحادیه میهنی کردستان، افرادی که از آن واقعه جان سالم به‌در بردند، از آنجا فرار کردند و راهی کردستان ایران شدند. در این مقطع نیز سلفی‌های کردستان ایران آنها را با آغوش باز پذیرفتند و آنها را اسکان دادند. تعداد انگشت‌شماری از آنها در کرمانشاه و تعداد قابل توجهی از آنها به مریوان و بخش کانی‌دینار این شهرستان منتقل شدند که از مهم‌ترین افراد می‌توان به ابوعبدالله شافعی اشاره کرد.

حضور سلفی‌های جهادی کردستان ایران در امارت اسلامی بیاره و «هجرت» آنها به کردستان ایران پس از سقوط امارت بیاره، زمینه آن را فراهم کرد تا تبلیغات برای اعتقادات سلفی جهادی در کردستان ایران گسترش پیدا کند؛ به همین دلیل سلفی‌های جهادی این مقطع زمانی را «عصر طلایی» می‌نامند.

از افراطی‌گری نازیست دموکراتیک دینی (گونه‌شناسی جریان‌های اسلام‌گرای اهل سنت بعد از انقلاب اسلامی در ایران) / ۲۱۵

در مجموع می‌توان گفت گروه‌های سلفی جهادی در کردستان ایران از جریان‌های سلفی جهادی در افغانستان الهام گرفته‌اند، از طریق جریان‌های سلفی جهادی فعال در کردستان عراق با این جریان‌ها آشنا شدند، از طریق آنها کسب تجربه کردند و حتی سازمان‌دهی شدند.

### گروه‌های سلفی جهادی در کردستان ایران

از مهم‌ترین گروه‌های سلفی جهادی در کردستان ایران می‌توان به شاخه ایرانی «انصار السنه / انصار الاسلام» و گروه «توحید و جهاد» اشاره کرد. سازمان «انصار السنه» در دوران امارت اسلامی بیاره با سازمان جنبش اسلامی کردستان ایران که بعد از انقلاب برای مدتی فعالیت داشت و توسط عبدالقادر توحیدی بنیان‌گذاری شده بود، در ارتباط بود.

در باب گروه «توحید و جهاد» باید گفت اعضای آنها جمهوری اسلامی را یک رژیم طاغوتی قلمداد می‌کنند. آن‌ها بر اساس دو استدلال طاغوتی بودن جمهوری اسلامی، اینکه مذهب رسمی حکومت جمهوری اسلامی تشیع است و در برابر آن حکومت به طور رسمی مذهب تسنن را سرکوب و تشیع را تقویت می‌کند، معتقد بودند باید علیه جمهوری اسلامی ایران جهاد کرد. این گروه اولین گروه تکفیری جهادی در کردستان ایران بودند که تمامی پیروان تشیع حتی کسانی را که هیچ رابطه‌ای با جمهوری اسلامی نداشتند، «مرتد» می‌دانستند. آنها در واقع تشیع را شاخه‌ای انحرافی از اسلام می‌دانستند و مناطق شیعه‌نشین جهان اسلام را «دارالکفر» می‌نامیدند؛ بر اساس همین استدلال‌ها جهاد علیه جمهوری اسلامی را واجب می‌دانستند. گفتنی است جغرافیای فعالیت آنها شهر سنندج و حومه آن بود. از مهم‌ترین روحانیون سرشناس و تأثیرگذار در جذب افراد و ترویج افکار سلفیت جهادی در کردستان ایران، می‌توان به ملا عبدالحمید عالی (اهل مریوان، فعال در سنندج و جوانرود)، ملا محمد علوی (اهل سقز، فعال در یکی از روستاهای اطراف بوکان به نام یکشوه)، ملاهادی، ملاعثمان سقز و ملاهادی ارومیه اشاره کرد (مصاحبه با ناصر علیار، پاییز ۹۸، بوکان).

بر اساس یافته‌های نویسندگان این جریان بدون مجوز و عمدتاً مخفی، امروزه از نظر تشکیلاتی تقریباً نامشخص عمل می‌کنند. علت این ابهام را می‌توان در این دید که چون سلفی‌های جهادی هم‌اکنون خود را در مرحله دعوت سری می‌دانند؛ بنابراین از آشکار کردن چگونگی فعالیت خویش به تعبیر خودشان به «غیرخودی‌ها» ابا دارند. به عبارتی دیگر فعالیت‌شان بیشتر زیرزمینی شده است؛ حتی فعالیت‌های تبلیغاتی را حاکمیت توانسته است تحت کنترل خود درآورد؛ در نتیجه با توجه به مخفی بودن فعالیت‌شان هر پژوهشگری بخواهد در این باره به تحقیق بپردازد، با چالش جدی و پنهان‌کاری از طرف آنها روبرو می‌شود (مصاحبه با یکی از ماموستایان سلفی تبلیغی غیر جهادی، زمستان ۹۸، سقز).

### تصوف کردستان

جریان تصوف و صوفی‌گری یکی از مهم‌ترین جریان‌های فکری و اجتماعی در تاریخ اسلام و کردستان است. اهل تصوف تاریخ خود را به صدر اسلام برمی‌گردانند و باورهای خود را برگرفته از تعالیم نبوی می‌دانند. به نقل از مورخین پس از سرکوبی خرم‌دینان، به‌ویژه در منطقه کردستان و غرب، تصوف بر بستر اعتقادی مردم کرد و مشایخ و بزرگان منطقه کردستان راه یافت؛ به عبارتی کردها از سده سوم هجری با تصوف آشنا شدند (پورمحمدی املشی، ۱۳۹۴: ص ۱۴).

ماهیت تصوف در کردستان پیروی از مذهب امام شافعی و شریعت (کتاب، سنت، اجماع و قیاس) و مبانی فکری و اعتقادی آنها بر اساس مکتب امام ابوالحسن اشعری است. به عبارتی ماهیت و مبانی فکری اهل تصوف کردستان عبارت است از: اشعریت در عقاید، مذهب شافعی در فقه و مبانی سلوک در طریقت نقش‌بندیه و قادریه. غلو در حق بزرگان صوفی و مبالغه در ذکر کرامات آنها و به‌راه‌انداختن دستگام مرید و مرادی در تصوف کردستان مثل بیشتر فرقه‌های صوفیه مشاهده شدنی است؛ اما بیشتر متشرع

از افراطی‌گری تازیست دموکراتیک دینی (گونه‌شناسی جریان‌های اسلام‌گرای کردی اهل سنت بعد از انقلاب اسلامی در ایران) / ۲۱۷

و ملتزم به آداب اسلامی هستند و از آرای محمد سعید رمضان بوطی در سطح جهانی و بعضی علمای کرد چون ملامحمد باقر مدرس بالک، ملامحمد بداقی و ملاعبدالکریم مدرس استفاده می‌کنند. گفتنی است ماموستایان صوفی در کردستان به عرفان عملی اعتقاد دارند، برعکس اهل تشیع که عرفان نظری را قبول دارند.

### انواع شاخه‌های تصوف در مناطق کردستان

در کردستان دو طریقت اصلی حضور دارند: طریقت قادری، طریقت نقشبندی، کلیه شیوخ کردستان به یکی از این دو تعلق دارند (بروین سن، ۱۳۷۸: ص ۲۰۳ - ۳۰۳). چند شاخه فرعی هم از دراویش قادری در کردستان رواج دارند که عبارت‌اند از: شاخه‌های کسنزانی، سوله‌ای، برزنجی و طالبانی. یک نوع دیگر از تصوف نیز وجود دارد که البته در مناطق کردستان خیلی مرسوم نیست؛ یعنی تصوف عاشقانه در مقابل تصوف عابدانه؛ هرچند برخی مانند شیخ بابای برزنجی و برخی از قادری‌ها پیروان آنها هستند (مصاحبه با ناصر علیار، پاییز ۹۸، بوکان).

طریقت قادری توسط عبدالقادر گیلانی (م ۵۶۱ ق) در مرکز خلافت اسلامی بغداد تأسیس شد. در قرن ششم که سراسر عالم اسلامی را طریقت‌ها فراگرفته بود، عبدالقادر که ایرانی و تالشی‌الاصل بوده و بسیار مورد تمجید مشایخ و عرفای بعدی قرار گرفته است، با تمام وجود سعی داشت سیر و سلوک و برنامه طریقتی‌اش مطابق اسلام و عقیده اهل سنت و جماعت باشد. اما طریقت قادریه چگونه به کردستان وارد شد؟ این طریقت از طریق سادات برزنجه که علما و دانشمندان و شخصیت‌های زیادی از میان آنها برخاسته‌اند، از جمله بابا رسول برزنجی (م ۹۷۰ ق) است. او نزد ملا بوبکر تحصیل کرده است. بابا رسول دارای فرزندان متعددی بود و خودش وابسته به طریقت نوربخشیه بوده است که باید گفت قبل از طریقت قادریه، طریقت نوربخشیه و طریقت خلوتیه در کردستان رایج بودند. یکی

از فرزندان بابا رسول برزنجی، سید اسماعیل نام داشت؛ او در روستای قازانقایه ساکن بوده است که به او سید اسماعیل ولیانی هم می‌گویند. سید اسماعیل قازانقایه یا ولیانی در بغداد طریقت قادریه را در آغاز قرن یازدهم از شیخ احمد احصائی اخذ می‌نماید و در کردستان رواج می‌دهد. مهم‌ترین خاندان مروج طریقت قادریه فرزندان سید اسماعیل بودند؛ از جمله نوه‌اش شیخ معروف نودهی (م ۱۲۵۴ ق) و فرزندش حاج سید احمد (م ۱۳۰۵ ق). خاندان‌های دیگر طریقت قادریه، سادات سوله‌ای هستند. آخرین شیخ آنها شیخ هادی هاشمی دولابی قروه‌ای بود که بعد از انقلاب ایران در لندن درگذشت و دو فرزندش که جانشین او هستند، هر دو نفر تحصیل کرده خارج هستند. سادات کس نزاری نیز از مروجین طریقت قادریه هستند. آخرین شیخ آنها سید عبدالکریم و سپس شیخ محمد بودند که در سال ۱۳۹۹ درگذشتند.

سادات خالصی طالبانی نیز از خاندان‌های طریقت قادری هستند که طریقت قادری را از شیخ احمد لاهوری اهل هندوستان اخذ کرده است. هر چهار خاندان طریقت قادری، یعنی خانواده‌های حاج کاک احمد (برزنجی‌ها)، خانواده سوله‌یی که هاشمی هستند، خاندان خالصی طالبانی و خاندان کس نزاری که مرکز همه آنها از کردستان عراق بوده است، در ایران شعباتی دارند و بدون تشریفات سابق به حیات طریقتی خود ادامه می‌دهند. طریقت نقشبندی از دیگر طریقت‌های موجود در کردستان، طریقتی سنی است که از طرف بهاء‌الدین محمد ساکن بخارا (م ۷۹۱ ق) در بخارا (ازبکستان فعلی) تأسیس شد، از راه هندوستان به کردستان رسید و از کردستان به تمام خاورمیانه گسترش یافت. در سال ۱۲۲۴ قمری مولانا خالد نقشبندی از کردهای ناحیه شهرزور. اطراف حلبچه فعلی. در حالی که تحصیلات علوم اسلامی را در سطح بالایی خوانده بود، برای مرشد شدن راهی هندوستان می‌شود. دو سال بعد در جایگاه مرشد کامل که طریقت نقشبندی را از شاه عبدالله دهلوی اخذ کرده است، به کردستان برمی‌گردد. بعد از جدالی که با علمای کُرد و مشایخ قادری



از افراطی‌گری تازیست دموکراتیک دینی (گونه‌شناسی جریان‌های اسلام‌گرای اهل سنت بعد از انقلاب اسلامی در ایران) / ۲۱۹

داشت، در سال ۱۲۲۸ به دمشق مهاجرت می‌کند و در کردستان هم خلفای صاحب‌نامی مثل شیخ عثمان سراج‌الدین و سیدطه شمزینی را از خود برجای می‌گذارد. خاندان‌های بزرگی در توپله و بیاره و اربیل (افندی‌ها) و ماویلی و بارزان و... که نقشبندی هستند، به رواج آن پرداخته‌اند و در کردستان ایران هم در روستای برهان از توابع شهرستان مهاباد، شهرستان سقز، روستای زنبیل از توابع آن شهرستان، دیزج ارومیه و روستاهای اطراف پیرانشهر مروج این طریقت بوده‌اند. از مشهورترین مشایخ معاصر آنها شیخ عثمان نقشبندی مربوط به شاخه بیاره و سیدطه کمالی زاده مربوط به پیرانشهر بودند که پیروان‌شان به ویژه پیروان شیخ عثمان در ایران و عراق توسط جمعی از روحانیون کُرد رهبری می‌شوند. گفتنی است در کردستان پیروان نقشبندی را صوفی و پیروان طریقت قادریه را درویش می‌نامند.

### **تحولات و تطورات تصوف کردستان**

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، سه مرشد و شیخ طریقت در کردستان ایران به نام‌های شیخ عثمان نقشبندی شیخ طریقت نقشبندی شاخه بیاره در اطراف مریوان، شیخ طه کمالی زاده شیخ طریقت نقشبندی شاخه خلان در اطراف پیرانشهر و شیخ هادی هاشمی شیخ طریقت قادری در قروه سکونت داشتند. این سه نفر نظر به اینکه ارتباطی با رژیم پهلوی دوم داشتند و همکاری با گروه‌های مسلح کُرد کرده بودند، بعد از انقلاب منطقه را ترک کردند و به کردستان عراق رفتند و از آنجا به کشورهای اروپایی مهاجرت می‌کنند؛ بنابراین مهاجرت آنها باعث متفرق شدن مریدان و منسوبان شد که این امر سبب کم‌رنگ شدن تصوف در کردستان شد (جاف، ۱۳۵۳: ص ۲۷۰).

بر این اساس هر کدام از جریان‌های تصوف بر آن شدند تا برای دفاع از خود در مقابل سایر جریان‌های دیگر مثل سلفی‌ها، تشکیلاتی ایجاد و نظمی به خود دهند. به عبارتی

در قدیم‌الایام بین دو طریقت قادریه و نقشبندی تضادهایی وجود داشت؛ اما امروزه به سبب وجود دشمن مشترک به همدیگر نزدیک شده‌اند و اصطکاک پیشین را با هم ندارند و بر این تأکید نمی‌کنند که آیا قادری هستند یا نقشبندی، بلکه همگی خود را در مقابل سلفی‌ها و وهابی‌ها، تصوف می‌نامند. از آنجا که اهل تصوف بیشترین سازگاری را با ایدئولوژی حاکم بر جمهوری اسلامی دارند، حاکمیت هم تا کنون سعی کرده است نقش و حضور تصوف را میان مردم برجسته کند؛ چرا که از مسائلی که سبب تضعیف جریان‌های تندرو می‌شوند، استفاده از جریان‌های تصوف و تقویت آنهاست (مصاحبه با یکی از ماموستایان اهل تصوف، مریوان، زمستان ۹۸، [به دلیل درخواست مصاحبه‌شونده از ذکر اسم خودداری می‌شود]).

امروزه پایگاه اصلی تصوف در دو شهر مریوان و پیرانشهر است. در مریوان چند سال پیش مجموعه‌ای از علمای اهل تصوف خود را در هویت جدیدی به نام «یمامه» (یه کیه تی ماموستایانی ثابینی مه ریوان و هه ورامان) تعریف کرده‌اند که ترجمه فارسی آن می‌شود: «اتحادیه ماموستایان مریوان و اورامان». این اتحادیه همچنان که از نامش پیداست، جمعی از ماموستایان صوفی مسلک این دو شهر را دربر می‌گیرد. «یمامه» در زبان عربی به زبان کبوتر آشتی از آن یاد می‌شود؛ اعضای آن بر این اصل متعهد هستند که باید با مردم به گونه‌ای احسن و شایسته برخورد داشته باشند.

هدف اعضای آن از به‌کاربردن واژه «یمامه» این است که در منطقه مریوان و اورامان دستانی پشت‌پرده سعی در تشویش اذهان عمومی و ایجاد تضاد و تقابل بین مردم و علما و ماموستایان منطقه شده بودند و این امر منجر به لکه‌دار شدن شخصیت این ماموستایان و بی‌زاری مردم از آنها و دین اسلام شده بود؛ بنابراین از چهار سال قبل عده‌ای از ماموستایان جوان منطقه به فکر تشکیل چنین اتحادیه‌ای شدند تا در مقابل این حمله‌ها ایستادگی و شفاف‌سازی کنند.

یکی از ماموستایان عضو «یمامه» در گفتگویی به چند مورد از اهداف یمامه اشاره می‌کند:

۱. وحدت و اتحاد ماموستایان منطقه، به ویژه منطقه اورامان و مریوان؛
۲. احترام گذاشتن و تکریم ماموستایان مسن؛
۳. حفاظت از محیط زیست و تلاش برای جلوگیری از آلوده شدن آن و آبادی منطقه؛
۴. فعالیت فرهنگی مثل تلاش برای جلوگیری از پخش و توزیع مواد مخدر، خودکشی و پیدا کردن راه حل برای مشکلات اجتماعی، همراهی و کمک به فقرا، یتیمان و افراد بی بضاعت؛
۵. تبلیغ دین اسلام و انتشار پیام‌های آسمانی با ایجاد کلاس‌های آموزشی و ...؛
۶. تشکیل کلاس‌هایی برای تعلیم و ترویج زبان کردی و تشویق جوانان برای حفظ و نگهداری زبان و فرهنگ کردی و دیگر موارد.

اعضای «یمامه» باورمندند هر شخصی که در راه وحدت و آشتی تلاش کند، عضوی از «یمامه» خواهد بود؛ «کن مع الناس یمامه».

«یمامه» به وسیله سیستم شورایی اداره می‌شود و رهبری واحد ندارد؛ بنابراین بین اعضا هر کسی که نظری معقولانه‌تر ارائه دهد، از طرف اعضای شورا مقبول خواهد بود. آنها درباره مسائل منطقه و کردستان به مشورت با همدیگر می‌پردازند و هنگام وجود برخی از اختلاف‌ها با همدیگر بحث و گفتگو می‌کنند. در همین راستا عده‌ای از ماموستایان اهل تصوف دهگلان در استان کردستان جماعتی با عنوان «یه کیه تیی ماموستایانی شافعی مه زهه بی له یلاخ (دهگلان)» یعنی «اتحادیه ماموستایان شافعی مذهب دهگلان» شکل داده‌اند که این مجمع ارتباط نزدیک و صمیمی با «یمامه» دارد؛ بنابراین مجمع خود را از «یمامه» اقتباس کرده‌اند و جهان بینی و منهج آنها مشابه با «یمامه» است. این دو گروه طی حملات ترکیه به کردستان سوریه به شکل جداگانه بیانیه‌ای شدید علیه رجب طیب اردوغان و سیاست‌های ترکیه به رشته تحریر درآوردند که نشان از موضع‌گیری سیاسی آنها در برابر اتفاقات منطقه دارد!

## نتیجه

بعد از وقوع انقلاب اسلامی و به دنبال احیای جنبش‌های دینی در مناطق مختلف جهان و به ویژه ایران، گروه‌ها و جریان‌های مختلفی روی کار آمدند که آشکارا به دنبال حضور و تأثیرگذاری در جامعه بودند. هرکدام از این گروه‌ها تحت تأثیر رهبران و جریان‌های فکری کلان‌تری که به آن اعتقاد داشتند، رویکردهای مختلفی در قبال جامعه و حکومت دینی مرکزی اتخاذ کردند که اگر بخواهیم این رویکردها را در طول طیفی قرار بدهیم، از انفعال تا افراط‌گری را دربر می‌گیرد.

اگر سلفی‌گری را رویکردی افراطی و تفسیری رادیکال از دین در متن جامعه بدانیم، در مقابل آن باید از تصوف نام برد که با گوشه‌گیری و عدم دخالت در جامعه و مسائل آن و تمرکز بر فرد به دنبال تزکیه و تهذیب نفس او هستند. در مقابل این رویکردهای افراطی، دو جریان «مکتب قرآن» و «جماعت دعوت و اصلاح» به نسبت رویکرد متعادل‌تر و دمکراتیک‌تری در برابر جامعه و سیاست دارند و معتقدند در حدی که بتوانند بر جامعه در مواقع خاص تأثیرگذاری داشته باشند و نظر خود را پیرامون مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی ابراز کنند، ادای دین کرده‌اند و فراتر از این امور نمی‌روند. شایان ذکر است که تمامی این جریان‌ها را می‌توان ذیل اهل سنت آورد که امروزه فعالیت سیاسی قابل توجهی ندارند و غیر از برگزاری جلسات دینی و نیز بعضی از اظهارنظرهای سیاسی و اجتماعی، در سپهر سیاسی چندان فعال و کنشگر نیستند.

جریان‌های فوق‌الذکر نه تنها دارای رویکردی خاص در برابر حکومت و جامعه هستند و هرکدام از آنها بر اساس چارچوب مشخصی که برای خود در نظر گرفته‌اند، نوع رویکرد و نگاه‌شان به دیگر جریان‌ها هم می‌تواند محل بحث و بررسی باشد. از منظر تصوف تمامی گرایش‌های دینی در کردستان، اعم از صوفی، سلفی، اخوانی و مکتبی، از نظر کلامی و عقیدتی با یکدیگر هیچ تفاوتی ندارند، بلکه اختلاف آنها فقط عقیدتی است و احکام

حلال و حرام بر آن‌ها مترتب می‌شود نه شرک و کفر؛ همان‌طور که میان مسلمانان قرون پیشین هم این اختلاف‌ها وجود داشت و با یکدیگر به نزاع نپرداختند؛ ولی تنها چیزی که از منظر تصوف سبب تأسف و نگرانی است، سیاست‌های غلط این احزاب است؛ یعنی پیشه‌کردن سیاست ملحدان اسلام و دست‌انداختن به سیاست آنها و تن دادن به کشتن و ارباب و ترساندن مسلمانان به بهانه شرک و توسل و زیارت و... که این نوع سیاست در راستای منافع کفار است؛ چون برای درون اسلام تفرقه‌برانگیز و برای بیرون اسلام نفرت‌برانگیز است؛ یعنی جامعه‌های غربی را از اسلام متنفر می‌کند. بنابراین ذات تصوف این است که با هیچ یک از جریان‌های دیگر هرگز وارد تنش نشده و آنها را طرد نمی‌کند؛ هرچند برخی از صوفی‌ها در مقابل این جریان‌ها برخورد تنیدی داشته‌اند؛ اما در واقع نمی‌توان خطای شخصی آنها را به مکتب تصوف نسبت داد؛ همان‌طور که نمی‌توان تندروی بسیاری از افراد جریان‌های اسلامی را به حساب و گردن اسلام انداخت.

«مکتب قرآن» و در رأس آن آقای امینی معتقد است «مکتب قرآن» تابع فکر معتدل اسلامی است و با هیچ جریانی دشمنی و یا رقابت ندارد و اصل شورادر نظام سیاسی اسلام از جایگاه ویژه و رفیعی برخوردار است. در راستای اهمیت شورا ایشان اشاره می‌کند به تعبیر راشد الغنوشی اسلام یگانه‌آیینی است که این اصل اصیل را آورده است؛ آن را در جایگاه رفتاری عمومی در جامعه و نیز شیوه‌ای برای اداره امور مردم به رسمیت شناخته است. گرچه مکتبی‌ها در برخی زمینه‌های فکری، سیاسی و اجتماعی نگاهی متفاوت با سلفی‌ها دارند؛ اما باورهای سلفیت در افکار آنان نیز یافت می‌شود. در واقع دیدگاه‌های مکتبی‌ها در مباحث عقیدتی و فقهی چون توحید و شرک، توسل، طلب شفاعت، سماع موتی، بنای بر قبور و... شباهت زیادی به عقاید سلفی‌ها دارد. افراد مکتبی به لحاظ فقهی، مخالف شیوخ و طریقت‌های صوفیه‌اند و هرگونه شفاعت و واسطه و زیارت قبور را رد می‌کنند. مکتبی‌ها معتقدند بعضی از مسائلی که عرفان و تصوف آن را مطرح و اجرامی‌کنند، جنبه‌هایی دارد که شرک‌آلود است.

«جماعت دعوت و اصلاح» ایران از آنجاکه برنامه خود را تنها تفسیر درست از اسلام نمی‌داند، از پیشنهادهای و انتقادهای همه اندیشمندان و دلسوزان دین و جامعه استقبال می‌کند و آرزومند روزی است که توحید در جهان بینی، اخلاق در رفتار فردی و آزادی و عدالت در تعاملات اجتماعی در حد مطلوب برقرار شود تا آدمیان بتوانند با خرسندی و آسودگی، در دنیایی آباد به عبادت خالق و خدمت خلق بپردازند.

به زعم پیروان «جماعت»، این جنبش با واقع‌گرایی و خردمندی سروکار دارد و یک رویکرد معتدل در فکر و رفتار به دور از افراط‌گرایی و تحریک اختلافات را سرلوحه کار خود قرار داده است. فعالیت‌های این گروه اخیراً گسترش پیدا کرده و به کلیه مناطق سنی‌نشین راه یافته است و سعی کرده اند از اقشار و گروه‌های مختلف جامعه به ویژه افراد تحصیل کرده و اندیشمند را به خود جذب کنند. گفتنی است این گروه ارتباط خود را با سایر جریان‌ها در خانه حفظ کرده است و با آنها تعامل دارد.

درباره سلفی‌ها باید گفت برخی از سلفی‌های جهادی که خود را با فعالیت‌های مسلحانه و افراط‌گرایانه تعریف می‌کنند، نه تنها هیچ گروه دیگری را قبول ندارند و طاقت نمی‌آورند، بلکه در تلاش است برای برپایی خلافت اسلامی هر چیزی را نابود کند؛ در حالی که سلفی‌های غیرجهادی با توجه به رویکرد ملایم‌ترشان فقط با نگاهی انتقادی و نه رادیکال به مسائل موجود در جامعه نگاه می‌کنند و با رویکردی ملایم سعی در اصلاح وضع موجود دارند.



### کتاب‌نامه

- بالاس، ادگار (۱۳۷۷)؛ جنبش کردها؛ ترجمه اسماعیل فتاح قاضی؛ تهران: نگاه.
- برویین سن، مارتین وان (۱۳۸۳)؛ جامعه‌شناسی مردم کرد؛ ترجمه: ابراهیم یونسی؛ تهران: نشر پانیزد.
- پورمحمدی املشی، نصرالله و علی‌به جوانمردی (۱۳۹۴)؛ «نقش و جایگاه مشایخ طریقت در تحولات اجتماعی تاریخ معاصر کردستان»؛ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال چهارم، ش دوم.

- توکلی، محمدرفوف [بی‌تا]: تاریخ تصوف در کردستان؛ تهران: اشراقی.
- جاف، حسن (۱۳۵۳): «طریقت در میان کردها، بررسی‌های تاریخی»؛ مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، سال ۹، ش ۵.
- حائری، محمدحسن (۱۳۷۹): راه‌گنج، اصول و مبانی عرفان و تصوف در ادب فارسی؛ تهران: مدینه.
- حلمی، مصطفی (۲۰۰۵ م): قواعد المنهج السلفی فی الفكر الإسلامی: بحوث فی العقیده الإسلامیة؛ بیروت: دار الکتب العلمیة.
- خسروی، جمال (۱۳۹۰): «تطورات گفتمان مکتب قرآن (علل و زمینه‌ها)»؛ رساله دکتري رشته جامعه‌شناسی؛ استاد راهنما: حسین کچوئیان؛ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- رمضان، طارق (۱۳۸۶): مسلمانان غرب و آینده اسلام؛ ترجمه: امیررضایی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رفیق، ساییر (۲۰۰۶ م): کولتور و ناسیونالیسم (مجموعه کتاب‌های تیشک) چاپی سییه م، سلیمانی: [بی‌نا].
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۹۲): ارزش میراث صوفیه؛ تهران: امیرکبیر.
- علیار، ناصر (۱۳۸۵): سلفیه در روزگار ما؛ بوکان: [بی‌نا].
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۲): «گونه‌شناسی جریان‌های اسلام‌گرا در اقلیم کردستان عراق»؛ مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ش ۳۵.
- قشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۵): رساله قشیری؛ ترجمه: ابوعلی حسن بن احمد عثمانی؛ تصحیح: بدیع‌الزمان فروزانفر؛ چ هفتم، تهران: علمی و فرهنگی.
- کدیور، محسن (۱۳۹۷): جزوه «جفای جمهوری اسلامی به احمد مفتی‌زاده».
- گیب، همیلتون (۱۳۸۰): اسلام؛ بررسی تاریخی؛ ترجمه: منوچهر امیری؛ تهران: علمی و فرهنگی.
- مزینانی شریعتی، سارا و سامان ابراهیم‌زاده (۱۳۹۶): «مکتب قرآن؛ مؤمنانی در نوستالژی امت»؛ مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ش ۳۹.
- مفتی‌زاده، احمد [بی‌تا]: دین و انسان: جستاری مقدماتی در مفهوم دین و انسان؛ [بی‌جا]: به کوشش یاران قدیمی کاک احمد (هاوربیانی نوی).

- مفتی زاده، احمد (۱۳۵۵)؛ مجموعه «جزوات کاک احمد مفتی زاده».
- موکریانی تابانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)؛ وحدت قومی کرد و ماد، منشأ و تاریخ تمدن کردستان؛ تهران: گستره.
- هوشمند، مختار (۲۰۲۰ م)؛ سلفی‌های جهادی در کردستان؛ ترجمه و حواشی: آگری اسماعیل نژاد؛ مجموعه کتاب‌های تیشک، ش ۱.

### سایت‌ها:

- <https://iranwire.com/fa/features>
- <https://anfpersian.com>

### کاست:

- مفتی زاده، احمد؛ «کاست حکومت اسلامی»؛ زبان کردی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۸)؛ «کاست وحدت اسلامی»؛ زبان فارسی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹)؛ «کاست ملاقات عمومی»؛ زبان کردی.

### مصاحبه‌ها:

- مصاحبه با حسن امینی، سنندج، پاییز ۹۸.
- مصاحبه با دکتر عبدالعزیز مولودی، بوکان، زمستان ۹۸.
- مصاحبه با روابط عمومی «جماعت دعوت و اصلاح»، جمال اسماعیلی، زمستان ۹۸، تهران.
- مصاحبه با ناصر علیار، بوکان، پاییز و زمستان ۹۸.
- مصاحبه با یکی از ماموستایان اهل تصوف، مریوان، زمستان ۹۸.
- مصاحبه با یکی از ماموستایان سلفی تبلیغی غیر جهادی، سقز، زمستان ۹۸.
- مصاحبه با ادمین کانال کانون اندیشه دینی، [بی جا]: ۱۳۹۸.



## References

- Aliyar, Nasser. 1385 Sh. *Salafiyi dar ruzigār mā*. Bukan: n.p.
- ANF News. At <https://anfpersian.com>.
- Fallah, Rahmatollah. 1392 Sh. “Gūnishināsī-yi jaryānhāyi Islāmگیرā dar iqlīm Kurdistan Iraq.” *Pānzdah khurdād*, no. 35: 131-50.
- Gib, Hamilton. 1380 Sh. *Islam: barrasī-yi tārikhī*. Translated into Persian by Manouchehr Amiri. Tehran: Elmi va Farhangi.
- Haeri, Mohammad Hassan. 1379 Sh. *Rāh ganj, uşūl wa mabānī-yi ‘irfān wa taşawwuf dar adab Fārsī*. Tehran: Madineh.
- Hilmi, Mustafa. 2005. *Qawā‘id al-manhaj al-salafī fi l-fikr al-Islāmī: buḥūth fi l-aqīdat al-Islāmīyya*. Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Hooshmad, Mokhtar. 2020. *Salafī-hāyi jihādī dar Kurdistan*. Translated into Persian by Agri Esmaeelnejad. N.p.: Tishk Books.
- Iran Wire. At <https://iranwire.com/fa/features>.
- Jaf, Hassan. 1353 Sh. “Ṭarīqat dar miyān Kurdhā.” *Barrasī-hāyi tārikhī* 9, no. 5: 261-70.
- Kadivar, Mohsen. 1397 Sh. “Jafāyi jumhūrī-yi Islāmī bi Ahmad Moftizadeh.” Typescript.
- Khosravi, Jamal. 1390 Sh. “Ṭaṭawwurāt guftimān maktab Qur’ān (‘ilal wa zamīnihā).” PhD diss., University of Tehran.
- Mazinani Shariati, Sara and Saman Ebrahimzadeh. 1396 Sh. “Maktab Qur’ān: mu‘minān dar nostalgia ummat: muṭālī‘āt mawridī-yi Kurdhā dar Iran.” *Muṭālī‘āt miyān-rishti ī dar ‘ulūm insānī* 10, no. 39 (autumn): 79-99.
- Moftizadeh, Ahmad. 1355 Sh. “Pamphlets of Kak Ahmad Moftizadeh.” Typescript.
- Moftizadeh, Ahmad. n.d. *Dīn wa insān: justārī muqaddamātī dar mafhūm dīn wa insān*. N.p.: Yaran Ghadimi Kak Ahmad.
- Mokriani Tabani, Habibollah. 1380 Sh. *Waḥdat qawmī-yi Kurd wa Mad: manshā wa tārikh tamaddun Kurdistan*. Tehran: Gostareh.
- O’Ballance, Edgar. 1377 Sh. *Junbish Kurdhā (The Kurdish Struggle)*. Translated into Persian by Esmaeel Fattah Ghazi. Tehran: Negah.
- Pourmohammadi Amlashi, Nasrollah, and Ellieh Javanmardi. 1394 Sh. “Naqsh wa jāyghā mashāyikh ṭarīqat dar taḥawwulāt ijtimā‘ī-yi tārikh mu‘āşir Kurdistan.” *Pazhūhishnāmī-yi tārikh ijtimā‘ī wa iqtisādī* 4, no. 2 (autumn and winter): 11-28.

- Qushayrī, Abū I-Qāsim. 1385 Sh. *Risāli-yi Qushayriyya*. Translated into Persian by Abū ‘Alī Ḥasan b. Aḥmad al-‘Uthmānī. Edited by Badiozzaman Forouzanfar. Tehran: Elmi va Farhangi.
- Ramadan, Tariq. 1386 Sh. *Musalmānān gharb wa āyandi-yi Islam*. Translated into Persian by Amir Rezaee. Tehran: Institute for Cultural and Social Studies.
- Sabir, Refiq. 2006. *Culture and nationalism*. Slemani: n.p.
- Tavakkoli, Mohammad Rauf. n.d. *Tārīkh taṣawwuf dar Kurdistan*. Tehran: Eshraghi.
- van Bruinessen, Martin. 1383 Sh. *Jāmi ‘ishināsī-yi mardum Kurd*. Translated into Persian by Ebrahim Younesi. Tehran: Paniz Publications.
- Zarrinkoob, Abdolhossein. 1392 Sh. *Arzish mīrāth Šūfiyi*. Tehran: Amir Kabir.
- Cassette Tapes:
  - Moftizadeh, Ahmad. 1358 Sh. Cassette tape on “Islamic unity.” In Persian.
  - Moftizadeh, Ahmad. 1369 Sh. Cassette tape of a public visit. In Kurdish.
  - Moftizadeh, Ahmad. Cassette tape on “Islamic government.” In Kurdish.
- Interviews:
  - “Interview with a Salafist non-jihadist preacher mamosta.” 2019. Winter. Saqqez, Iran.
  - “Interview with a Sufi mamosta.” 2019. Winter. Marivan, Iran.
  - “Interview with the administrator of the channel of the Center for Religious Thought.” 2019. N.p.
  - Aliyar, Nasser. 2019. “Interview with Nasser Aliyar.” Autumn and Winter, 2019. Bukan, Iran.
  - Amini, Hassan. 2019. “Interview with Hassan Amini.” Autumn 2019. Sanandaj, Iran.
  - Esmaeili, Jamal. 2020. “Interview with the Public Relations of the Iranian Call and Reform Organization.” Winter, 2020. Tehran.
  - Moloodi, Abdolaziz. 2020. “Interview with Dr. Abdolaziz Moloodi.” Winter, 2020. Bukan, Iran.